

نگاه روز

۱۰۰سالگی تئاتر کودک ونوجوان وبرزگداشت جبار باغچه‌بان

به احترام هنرمندی که تا پایان ایستاد

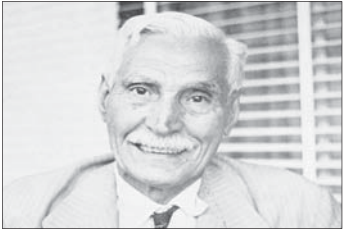


اردشیر صالح‌پور

● جبار باغچه‌بان، نابغه بزرگ آموزشی و پدر تئاتر کودک ونوجوان در ایران است. او با دست خالی و دلی پر از عشق و امید، به دنیای کودکان پا نهاد و با وجود سختی‌ها و دشواری‌های بسیار، با تعهد و شور و حالی وصف‌ناپذیر گام‌هایی اصولی و جدی برای آنان بنیان نهاد که مصادق گل‌های باغچه تا درختی بزرمر است.

او سال‌های زیادی را در کودکستان‌ها به تعلیم و تربیت کودکان همت گماشت؛ برای آنها شعر سرود، موسیقی بازی و سرگرمی ساخت، نمایش و تئاتر اجرا کرد و نمایش‌نامه نوشت؛ زیرا به نقش آموزش وپرورش در پیشرفت جامعه اعتقاد داشت و راه نجات را در گسترش مسائل فرهنگی می‌دانست، آن دوران جامعه چندان کودکان را جدی نمی‌گرفت، به‌ویژه کودکانی که مشکل شنوایی یا زبان داشتن و آنان را از خود دور می‌کرد؛ اما او عاشقانه و به‌طور رایگان آنان را پذیرفت و به آنان سواد یاد داد و از آنان کودکانی مقبول و آگاه تربیت کرد.

شناخت سرشت کودکان و دل بستگی او به اینکه آینده از آن کودکان است، باعث شد او تا واپسین دمدمه‌های عمر، دست از آموزش و مبارزه برندارد و



زندگی خود را وقف کودکان و ناشنوایان کند. او تخیل و منطق کودکانه را درهم آمیخت، شعر و سرود و نمایش‌نامه‌هایی را نوشت که در زمان خود بسیار پیشرفته و متفاوت بودند و راه را برای تداوم این رشته و هنر در دنیای کودکان هموار کرد و همچنان پدر هر دو است.

او به‌دستی در این رشته هم اجتهاد کرد و هم انقلابی پدید آورد. خلق اسباب‌بازی و اختراعاتی بی‌ارای ناشنوایان و بازی‌های کودکانه در آن دوران آسان نبود. او تعلیم و تربیت را با هنر درهم آمیخت و اعجازی پدید آورد که می‌توان او را مبتکر و بنیان‌گذار تئاتر کودک ونوجوان ایران نام نهاد. از اولین اجرای مردن آذربایجان آغاز شد، نزدیک به صد سال می‌گذرد و همین امر و مهر زمانی زمینه‌ای شد تا در آستانه صدسالگی تئاتر کودک ونوجوان در ایران بار دیگر به صرافت این نابغه نمایشی-آموزشی ببینیم و قدر و منزلت او را پاس بداریم. نسلی کوشا و دقیق، متعهد و آرمان‌خواه که با روغن وجودشان چراغ علم، ادب و هنر را فروزان نگه داشته و خود اکنون به خاموشی نشسته‌اند. او زندگی سخت و پرفرازونشیبی داشت؛ اما این دشواری هرگز مانع از آن نشد که از وظیفه، عشق و تعهد خود به کودکان دست بردارد و از انجام این رسالت شانه خالی کند. او در عرصه مطبوعات و طنز نیز بدیضایی داشت و چندین نشریه منتشر کرد. در مدرسه‌های مرند، سر بچه‌ها را می‌شست و از ۹ تومان حقوقش دست‌کم ۱۵۰٫۱۰ ریال را صرف خرید دارو، سملانی و الکل و پنبه زخم‌های کچلی بچه‌های مردم می‌کرد و درعین‌حال می‌دانست که دانش‌آموزان در مدرسه نیازمند قصه، شعر، سرود، نمایش‌نامه و بازی‌های کودکانانه‌اند.

کوشش بی‌پرا و صادقانه او اغلب به مذاق مدیران و متولیان دولتی خوش نمی‌آمد؛ ولی این کم‌لطفی‌ها نه‌تنها او را لاسردن نمی‌کرد، بلکه او را مصمم‌تر می‌کرد. او را می‌توان از ابداع‌کننده‌های کودکانستان‌ها نیز قلمداد کرد. یک روز یکی از دوستانش به شوخی به او گفته بود «تو برای بچه‌های تبریز باغچه ادیر کرده‌ای و باغچه‌داری می‌کنی. تو باغچه‌بان شده‌ای» و بعد از این شوخی به‌جا و مناسب، او نام عسگرزاده را با باغچه‌بان عوض کرد. درواقع همین تعلق و وابستگی باعث شد تا نام خود را از «جبار عسگرزاده» به «جبار باغچه‌بان» تغییر دهد. به‌راستی او باغیان بود؛ باغیان بچه‌ها؛ نوگلانی که خیلی زود ثمر دادند و شکوفا شدند. جبار باغچه‌بان هفت نمایش‌نامه نوشت که برای نخستین‌بار در شیراز چاپ شدند؛ «خانم خزوک»، «گرگ و چوپان»، «پیر و ترب»، «مجاهد دو پری»، «شیر باغیان»، «شنگول و منگول» و «جمشید و شاپور» از آن شمارند. به مناسبت جشن صدسالگی تئاتر کودک ونوجوان در ایران و در طلیعه و آستانه برگزاری بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک ونوجوان که از بیست‌وهشتم آبان تا چهارم آذر در شهر همدان برگزار می‌شود، ستاد جشنواره، اهالی تئاتر و دوستداران جبار باغچه‌بان، پیشبنیه بیست‌وپهارم آبان ساعت ۱۰ صبح بر مزار او در شهری تهران (منطقه ۲۰) در جوار نقش‌برجسته تاریخی چشمه‌علی گردهم می‌آیند تا یادش را گرامی بدارند.

•**نایب‌رئیس بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک ونوجوان**

رضا آشفته: محمد عاقبتی این روزها نمایش «از کجا اومدیم» را هر روز ساعت ۱۸ در تالار هنر با بازی محمدهادی عطایی و الکا هدایت اجرا می‌کند که درباره تولد و مرگ برای تفهیم کودکان چهار تا هشت سال است. او همچنین با نمایش «ماهی سیاه کوجولو» که برگرفته از داستان صمد بهرنگی است در جشنواره کودک ونوجوان حضور دارد. با او درباره این نمایش و جشنواره تئاتر کودک ونوجوان گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.

✎ فکر می‌کنم نمایش اخیرت درباره تولد باشد که به کودکان می‌خواهی درباره‌اش بگویی؟

در کل نمایش پرداخت به یک موضوع بنیادین است که کودکان زیر سن دبستان با آن روبه‌رو می‌شوند و در روان‌شناسی به آن پاسخ‌هایی داده شده که ما بر اساس آن داریم با این بچه‌ها روبه‌رو می‌شویم که خودشان هم فانتزی‌هایی درباره‌اش دارند و ما هم از روان‌شناسی کمک می‌گیریم تا دراین‌باره پاسخی بدهیم. بنابراین طوری نمایش را پیش می‌بریم که در سطح همین کودکان باشد.

✎ فکر می‌کنم دو بازیگر کل اجرایت را شکل می‌دهند، اما انگار بچه‌ها با کارهای شلوغ‌تر میانه بهتری دارند، می‌خواهم بدانم شما چگونه از پس این مسئله رها خواهید آمد؟

من به قصه‌گفتن علاقه دارم و این را همواره در تمام نمایش‌هایم؛ چه برای بچه‌ها و چه بزرگسالان رعایت کرده‌ام. این‌بار هم به دنبال گفتن قصه‌ای هستییم که بشود به این پرسش بنیادین بچه‌ها پاسخی علمی و تخصصی بدهیم. بنابراین آنچه به اجرا درمی‌آید در قالب یک قصه است و ما برای نزدیک شدن به بچه‌ها و اینکه نظرشان را جلب کنیم و به ارتباط برسیم، از عناصر و ویژگی‌هایی بهره می‌بریم که مفید واقع شوند مثل تصویرهای انیمیشن، عروسک و موسیقی که فکر می‌کنم اینها همگی در خدمت انتقال ایده کار باشند، بنابراین نمایش «از کجا اومدیم» شیوه ترکیبی دارد و در آن تئاتر عروسکی و صحنه‌ای با هم ارائه می‌شود.

✎ شما در بخش عمده‌ای از تولیدات بر کسودکان و نوجوانان متمرکز شده‌ای، این انتخاب چه دلایلی دارد؟

یک بخشش کاملاً شخصی است و من خودم احساس می‌کنم که باید روی این نوع تولیدات متمرکز باشم. از سوی دیگر معتقدم که در کار کودک ونوجوان کمتر حواشی هست و تو با کمترین نگرانی و استرس ممکن می‌توانی به تولید کارت بپردازی و در ضمن مخاطب کار کودک اگر کارت را دوست داشته باشد و با آن ارتباط برقرار کند، راحت‌تر نظرش را می‌گوید و این شرایط معلق و غیرثابت حس خوبی به من می‌دهد که درگیر هیچ چیزی نباشم و کارم را به خوبی انجام دهم. مخاطب کودک هم اگر کار را دوست داشته باشد سریع متوجه می‌شوم و اگر دوست نداشته باشد هم خیلی سریع متوجه می‌شوم و این برخورد عالی است. علاوهبراینها می‌دانم که ما در کشورمان از کودکان غافل هستیم و برای همین از گروه‌های حرفه‌ای می‌خواهم که بخشی از فعالیت‌هایشان را برای کودکان اختصاص دهند. هرچند این حوزه هم تخصص و دانش و حوصله خود را می‌خواهد. این انبوه مخاطب کودک باید به لحاظ کمیت و کیفیت نیازهای فرهنگی‌اش مرتفع شود و مهم‌تر اینکه باید صادقانه به سمشت رفت. نکته بعدی اینکه این روزها تئاتر بزرگسال به نظر خیلی آشفته و نابسامان است. تئاتر بزرگسال استرس‌زا و حاشیه‌زاست، اما در تئاتر کودک مخاطب

هنر

گفت‌وگو با محمد عاقبتی، کارگردان

تئاتر کودک حاشیه‌ساز نیست



کاری ندارد که چه کسی کارگردان است و چه کسانی بازی کرده‌اند. برای این مخاطب کیفیت خود کار مهم است و اگر دوست داشته باشند و ارتباط برقرار کنند، این برایشان مهم است. اگر والدین کودکان هم به گروه و کار اعتماد کنند بعد از آن به دنبال دیگر کارهای گسره و کارگردان خواهند آمد. این همچنین یک نیاز شخصی است که کار کودک کنم و در این شرایط به این سمت می‌آیم و حس می‌کنم دوستان حرفه‌ای بسیاری هستند که می‌توانند برای بزرگسالان کار تولید کنند، اما در میان گروه‌های کودک ونوجوان انگشت‌شمارند گروه‌هایی که می‌توانند برای بچه‌ها کار تولید کنند.

✎ وضعیت کارکردن برای کودکان چگونه است؟

در حوزه کودک راحت می‌توان اقدام و عمل کرد، به‌خاطر اینکه حاشیه‌اش کمتر است و تو متمرکزتر می‌توانی کار کنی. در آنجا به دلیل اینکه بیزینس مدروزی حاکم است، تو مدام باید خودت را به دور از خواسته‌ها و علاقه‌مندی‌هایت پیش ببری و درکل کارکردن در آنجا راحت نیست و همه نیز می‌دانیم که کارکردن در تئاتر و زندگی‌کردن در اوضاع فعلی سخت‌تر شده و این همان واقعیتی است که نمی‌گذارد راحت کار کنی، بنابراین این بچه باور نداری و واقعیت روز مدام باید درگیر باشی.

✎ در چند دوره جشنواره‌ای با کارهایت حضور داشته‌ای و در آن فعالیت‌هایی هم داشته‌ای. نظرت درباره جشنواره کودک ونوجوان همدان چیست؟

به‌هرحال این تنها جشنواره‌ای است که به طور تخصصی در ایران بین‌المللی برگزار می‌شود و از این نظر باید آن را غنیمت شمرد. برای برگزاری‌اش هزینه و وقت گذاشته می‌شود و این هزینه همچنین مادی و معنوی است، اما این جشنواره هم مثل همه جشنواره‌هایی که در ایران داریم، نقاط ضعف و کمبودهایی هم دارد. البته اینها به خود جشنواره مربوط نمی‌شود؛ ولی باید بدانیم که این جشنواره پترین یک سال تاتر ما در حوزه کودک ونوجوان است و برای آنکه کیفیت این تولیدات بهتر شود، باید به

حراج نفت در بورس

ارائه می‌دهند، بورس نیست، نوعی آکشن یا حراج است. یک فروشنده، کالای خود را با قیمتی عرضه می‌کند، خریداران نرخ می‌دهند و یک خریدار برنده می‌شود و آن را می‌خرد.

این اقدام، ماهیت بورس ندارد. دوره بورس نفت در قالبی که ارائه می‌دهند، گذشته است، این را می‌توان از بورس نفت دینی و سنگاپور متوجه شد. وقتی سازوکاری کار نمی‌دند دلیلی ندارد دوباره به سمت آن قدم برداریم. اگر هدف تنوع روش‌های فروش است و می‌خواهیم از تحریم دربیاییم، می‌توانیم توافق آل‌سعود با آمریکا بر سر پتrodollar را با توافق با چین، در قالب تریپووان تکرار کنیم و از شاکنهای امتیاز بگیریم. می‌توانیم در بازار بورس شانگهای وارد بازی بورسی نفت شویم. اینجا یک بخش عرضه‌کننده است و چندین خریدار، اما در جایی مانند بورس شانگهای، هم تعدد فروشنده وجود دارد و هم تعدد خریدار. راه‌هایی از این دست بسیار است و دولت برای دوزدن تحریم می‌تواند به دنبال آنها برود. حتی دولت می‌تواند به فکر مبادله ارز را رمزنگاری بوده و دارایی را به توکن تبدیل کند و این راهکار را در پیش بگیرد.

در هر حال نفت ایران تحریم است و این نفت توسط هیچ بخشی قابلیت فروش ندارد و در آزمایشگاه‌ها قابل شناسایی است. باید نفت را به ماده یا کالای دیگری تبدیل کند یا به مخلوط (blending) مشخصات را عوض کرده و به بازارهای جهانی عرضه کند.

استفاده از فرصت پالایشگاه‌های کوچک
رسول لاهیجانیان، عضو انجمن نفت ایران

فروش نفت در بورس به خاطر تحریم نیست. این بازار کشش ندارد. ممکن است بگویم تحریم باعث شده به این روش هم توجه داشته باشیم، اما نه اینکه تحریم باعث شده روش فروش‌مان را بورس کنیم. در واقع دولت از این روش استفاده کرده که مقداری از نفت را بفروشد، اما اینکه آقای جهانگیری گفت ما نفت را به بخش خصوصی می‌دهیم این تلقی را به وجود آورد که می‌خواهیم فروش را از این طریق انجام دهیم. همیشه وقتی تصمیم داریم کاری را شروع کنیم، می‌خواهیم از بالاترین سطح شروع کنیم. اکنون باید بیندیشیم از مشکلات اضطرار یک باید به دست بیاوریم. بهترین‌راه این است که به توانمندسازی صنایع پالایشی غیردولتی‌مان در این فرصت توجه کنیم و آنها را به رسمیت بشناسیم و کمکشان کنیم که کار کنند. کم‌کم صنایعی که می‌توانند این نفت را مصرف کنند نیز شکل خواهند گرفت. دولت نیز می‌تواند

خود تولیدکننده و هنرمندان رجوع شود. اینکه میزبان آن همدان است و این جشنواره دور از پایتخت برگزار می‌شود و به‌نوعی دارد تمرکززدایی می‌شود، خیلی خوب است؛ اما در آن هم باید به امکانات سخت‌افزاری توجه شود که بضاعت برگزاری‌اش هم سطح با عنوان بین‌المللی‌اش باشد. به‌هرحال جشنواره بومی و داخلی نیست و باید به سطح جشنواره‌های بین‌المللی نزدیک‌تر شود و اگر مشکلاتی هست، باید برای آن چاره‌اندیشی شود.

✎ راه‌حلی دارید؟

یکی از راه‌هایش تثبیت مدیریت هنری با برگزارکنندگان محلی است که بشود سازوکار بهتری برای ارتباط این برگزارکنندگان با تولیدکنندگان در سراسر کشور انجام داد که برگزاری آن فقط به دو، سه ماه آخر مرتبط نباشد؛ بلکه از یک سال قبل باید دبیرخانه جشنواره در جریان این تولیدات باشد و باید آنها حمایت‌های لازم را از گروه‌ها داشته باشند. اصلا رقابتی و غیررقابتی‌بودن جشنواره مهم نیست؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، این است که انگیزه‌های قوی بدهند به گروه‌ها که سر شوق بیایند که با انرژی بسیار تولید کنند و حضورشان نیز علاوه بر جشنواره، طوری باشد که این تولیدات در محله‌ها، شهرها و استان‌های خودشان نیز به‌راحتی اجرا شود. جشنواره نیز به طور ارگانیک و طبیعی بتواند بر جریان تئاتر کودک در ایران تأثیرگذار باشد.

✎ آیا به لحاظ کمتی و کیفی تولیدات نمایشی ما می‌تواند برطرف‌کننده نیاز این مخاطبان باشد؟

از هر دو نظر کمتی و کیفی جواب منفی است و ما واقعا با این تعداد مخاطبان نمی‌توانیم نیاز آنان را پاسخ دهیم؛ درصورتی‌که نیازش هست؛ اما همین تعداد کم تولیدی که برخوردار از استاندارهای لازم تئاتر کودک نیستند. درحالی‌که مدارس و آموزشگاه‌ها می‌توانند براساس این مخاطبان آگاهانه‌تر برای حمایت از گروه‌های تئاتری برنامه‌ریزی کنند که بتوانند اینها هم تولیدات‌شان را در اختیار بچه‌ها بگذارند؛ بنابراین آموزش وپرورش برایش مقرون به صرفه است که بودجه‌ای را برای تولیدات باکیفیت و استاندارد تئاتر کودک در نظر بگیرد و ایسن بودجه را در اختیار گروه‌های تئاتر قرار بدهد. الان هم برخی از این حمایت‌ها صورت می‌گیرد؛ اما با سطح کیفی پایین و اصلا معلوم نیست که آموزش وپرورش شورای انتخابی دارد که خیلی متخصصانه به دنبال ارائه توالیه آثار باشند؟ درحالی‌که نیاز است که بین عرضه و تقاضا ارتباطی انجام شود و تولیدکننده و مخاطب این‌قدر کند با هم ارتباط بگیرند که وضعیت بحرانی به نظر آید. آموزشگاه‌ها می‌توانند دنبال این تولیدات باکیفیت باشند و اگر این حمایت‌ها شدنی باشد، تولیدات هم در مسیر بهتری قرار خواهند گرفت. به‌هرحال می‌دانیم که کار کودک بسیار حساس است و همین‌طوری و بدون برنامه و سیاست‌گذاری نمی‌شود اقدام کرد.

✎ همین کارهای اندکی که می‌گویید بنا بر سفارش آموزش وپرورش است؟

آموزش وپرورش ریسک نمی‌کند و مسئله کارکردن برای بچه‌ها حساس است و این نیاز بچه‌ها کاملاً عمومی است و نمی‌شود فقط حرفش را زد؛ بلکه بچه‌ها در تمام ایران و جهان با اختلافات فرهنگی و جغرافیایی دارای مشترکات و شباهت‌هایی هستند که می‌شود بنابر همین اشتراکات، این تولیدات را انجام داد. باید این ریسک‌پذیری باشد که بشود تولید کرد و این تولیدات را خیلی قابل دسترس‌تر کرد که در اختیار همه قرار بگیرد.

و قیمت را به بازار می‌سپرد نه اینکه شرط‌های فراوان، از جمله قیمت را تعیین کند.

بخش خصوصی همراه دولت

رامین خسروخاور، رئیس هیئت‌مدیره فدراسیون صنعت نفت ایران



به نظر می‌رسد فضای حاکم بر آینده حوزه نفت و انرژی در امتداد گذشته نیست؛ بنابراین با توجه به شرایط موجود، باید رویدادهای جدید فکری را ایجاد و آنها را عملیاتی کنیم تا ضمن استمرار در تولید و فروش، بتوانیم نگاه ژرف در حوزه توسعه میدان‌های نفتی داشته باشیم. بورس انرژی یکی از رویدادهایی است که از سوی مدیران محترم دولتی برای گذر از شرایط موجود طراحی شده است و روند اجرایی آن در آینده مبین نگاه طراحان آن خواهد بود (۱)؛ اینکه نفت عرضه‌شده در بورس انرژی برای چیست؟ (۲) آیا این خریداران می‌توانند به دل و زارت رفتار رقابت کنند؟ (۳) خریداران چه کسانی هستند؟ و... باید بدانیم فقط با استفاده از توان، خرد جمعی و مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست که می‌توانیم از بحران‌ها و ناملایمات پیش‌رو با درایت عبور کرده و فرایندهای فکری و مدل‌های ذهنی جدید را با موفقیت عملیاتی کنیم. آری، بخش خصوصی می‌تواند همراه خوب و درخور اعتمادی در این شرایط برای دولت‌مردان باشد.

فضای بورس نفت را مهندسی کنیم
سیدجعفر مرعشی، مشاور اتاق ایران



بالا پیش با پیشنهاد اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (اتاق ایران) ماده ۹۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شکل پذیرفت. در این ماده قانونی، زمینه برای «توسعه حضور» بخش خصوصی فراهم شد. یکی از دستاوردهای این ماده، تکلیف قانون‌گذار به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون برای تهیه و پیشنهاد لایحه «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» بود و به دنبال آن فرصت‌های جدیدی مانند «شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی» در سطح ملی و در سطح استان‌های کشور پدید آمد؛ بنابراین، شرایط تحریم اگر به‌غشوان فرصت مرکز توجه قرار گیرد، بخش خصوصی می‌تواند «توسعه حضور» بیشتری را برای خود رقم بزند. این مهم درگرو توجه به «منافع بنگاه‌ها» در سمت‌وسوی «مصالح ملی» است.

رو‌بایایی که می‌آیند

تاریخ واقعی و تاریخ ترساک

ساسان گلفر

● درام‌های تاریخی ایران سینمایی این هفته عموماً مبتنی بر رویدادها و شخصیت‌های واقعی هستند و فیلم معرفی‌نشده «راپسودی بوهمی» که به ماجرای گروه موسیقی «کوتین» و خواننده مشهورش، فردی مرکوری، می‌پردازد نیز لاقل در حوزه تاریخ موسیقی معاصر جزء آنها محسوب می‌شود. علاوهبر اینها این هفته یک فیلم ترساک به نام «اورلد» نیز اکران گرفته که در دوران جنگ جهانی اول و در روز حمله متفقین به نرماندی فرانسه اتفاق می‌افتد. درام «اینجا و اکنون»، اکشن «رودخانه سرخ می‌شود» و درام رمانتیک «کارت‌پستال‌هایی از لندن» نیز از روز جمعه، ۱۸ آبان، در فهرست اکران قرار گرفته‌اند.

گرینچ دکتر سیوس

DR.SEUSS' THE GRINCH



نسخه انیمیشن سه‌بعدی داستان مشهور «چگونه گرینچ کریسمس را از دید»؛ نوشته تئودور سیوس گاینز، ملقب به دکتر سیوس به داستان شخصیت بداخلاق و مردم‌گریزی می‌پردازد که مأموریت ربودن کریسمس و جلوه‌گری از شادی مردمان را برای خود در نظر گرفته است، اما وقتی با دختریچه مهربان و سخاوتمندی روبه‌رو می‌شود، نمی‌تواند نقشه‌اش را اجرا کند. بندیکت کامبریج، صدایشه نقش گرینچ است و آنجلا لئزبری، رشیدا جونز، کنان تامپسون و فارل ویلیامز از دیگر صدایشگان این فیلم ۸۶دقیقه‌ای استودیو یونیورسال به کارگردانی کریس ملداندری و جنت هیلی هستند.

دختری در تار عنکبوت

THE GIRL IN THE SPIDER'S WEB



داستان دیگری از مجموعه رمان‌ها و فیلم‌های در اصل سوئدی «دختری خالکوبی اذها» که البته رمانش را دیوید لگارکتز بر اساس شخصیت رمان‌های سه‌گانه استیگ لارسن نوشته است. کارگردانی این محصول مشترک کانادا، آلمان، سوئد، بریتانیا و آمریکا را فیده آلوارز برعهده داشته و فیلم‌نامه‌اش را استیو نایت نوشته است. لیزبت سالاندر که نقش اورا را در این فیلم کلر فوی بازی کرده است در این درام جنایی ۱۱۵ دقیقه‌ای همراه با بلومکویست روزنامه‌نگار (سورید گودناسن) در شبکه‌ای از جنایت‌های سایبری و فساد حکومتی به دام افتاده‌اند.

پادشاه یابی
OUTLAW KING



دیوید مکنزی، کارگردان آمریکایی، در این فیلم به یک ماجرای تاریخی بریتانیا پرداخته که بازگویی داستان واقعی رابرت بروس، از پادشاهان اسکاتلند است که در قرون وسطا از یک اشراف‌زاده شکست‌خورده به یابی قهرمان مردم تبدیل شد و با انگلستان تحت سلطنت ادوارد اول مبارزه کرد. کریس پاین، آرون تیلر جانسن، فلورنس یو و بیلی هاولی از بازیگران این فیلم هستند. زمان نمایش درام تاریخی اکشن «پادشاه یابی» که با بودجه ۱۲۰ میلیون دلار تهیه شده، ۱۲۱ دقیقه است.

پیترو
PETERLOO

سنت‌پترز شهر منچستر اتفاق افتاد و به «قتل‌عام پیترو» شهرت یافت. دست‌مایه درامی تاریخی از مایک لی، فیلم‌ساز نامدار انگلیسی، قرار گرفته است. در آن ماجرا سربازان سواره‌نظام به تظاهرات مسالمت‌آمیز حدود ۶۰ هزار نفر طرفداران دموکراسی و انتخابات آزاد حمله بردند که ۱۸ کشته و حدود ۷۰۰ مجروح برجا گذاشت.

روزی کینیر، ماکسین پیکه و دیوید بمبر از بازیگران این فیلم هستند.